

رابطه سبک های فرزندپروری والدین با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره)

لیلا فعال مسکین^۱، علی زینالی^{۲*}

تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: سبک های فرزندپروری والدین پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت زیادی بر کودکان دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های فرزندپروری والدین با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان انجام شد.
روش بررسی: این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، همه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر ارومیه در سال ۱۳۹۳ بودند. از میان آنان ۳۴۲ نفر (۱۸۹ زن و ۱۵۳ مرد) با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. همه آنان پرسشنامه های سبک های فرزندپروری، خودناتوان سازی و خودکارآمدی را تکمیل کردند. داده ها با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با کمک نرم افزار SPSS-19 تحلیل شدند.
یافته ها: یافته ها نشان داد که سبک مقتدر با خود ناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشتند. همچنین بین سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی، رابطه منفی و معنادار وجود داشت ($p < 0/01$). علاوه بر آن سبک های فرزندپروری والدین به طور معناداری توانستند ۶۷ درصد از تغییرات خود ناتوان سازی و ۶۱ درصد از تغییرات خودکارآمدی را پیش بینی کنند ($p < 0/005$).
بحث و نتیجه گیری: سبک های فرزندپروری والدین می توانند بر خودناتوان سازی و خودکارآمدی نقش اساسی داشته باشند. بنابراین پیشنهاد می شود که مشاوران و روانشناسان بالینی برنامه های مناسبی برای آموزش سبک های فرزندپروری جهت مداخله در خود ناتوان سازی و خودکارآمدی طراحی کنند.

واژگان کلیدی: سبک های فرزند پروری، خود ناتوان سازی، خودکارآمدی، مددجویان کمیته امداد.

مقدمه

ناتوان سازی باید در موقعیت های اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد. به طور اصولی در این موقعیت ها، معیارهای ارزیابی به عملکرد دیگران وابسته است و اکثر افراد، اسنادهایی را به کار می گیرند تا بتوانند موفقیت ها را به منابع درونی، مثل توانایی و شکست را به منابع بیرونی، مثل دشواری تکالیف نسبت دهند (۳). اغلب، افراد در تلاش هستند که صلاحیت و استعداد خود را نشان دهند؛ اما وقتی پیش بینی می کنند که احتمال دارد، عملکرد خوبی نداشته باشند از خودناتوان سازی به عنوان وسیله ای برای اجتناب از این ادراک که ناتوان هستند، استفاده می کنند. در نتیجه از هرگونه شاهدهی که شکست را ناشی از عجز و ناتوانی آنها و موفقیت را یک امر تحمیل شده بداند، اجتناب می کنند (۴). خود ناتوان سازی در کاهش خودکارآمدی نیز نقش مهمی دارد. خودکارآمدی از نظریه شناختی اجتماعی بندورا^۳ مشتق شده و به باورها یا قضاوت های فرد در باره توانایی های خود در انجام

مددجویان جزء، قشری از جامعه هستند که دارای مشکلات زیادی می باشند که دلیل آن نبود یکی از والدین یا هر دوی آنها، مسأله طلاق، ناپدری یا نامادری، بی کفایتی پدر یا مادر، ناسازگاری خانوادگی و مسائلی از این قبیل می باشد. مددجویان، دارای مشکلات فراوانی هستند که از مهم ترین مشکلات آنان می توان به خود ناتوان سازی^۱ و خودکارآمدی^۲ پایین اشاره کرد (۱). خود ناتوان سازی راهبردی دفاعی است که در آن، فرد قبل از عملکرد، موانعی را ایجاد می کند تا به وسیله آن اسنادهایش را بعد از آن عملکرد دستکاری کند (۲). تمایلات خود

۱- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.

۲- گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.

* (نویسنده مسؤول) Email: a.zeinali@iaurmia.ac.ir

1. self-handicapping
2. self-efficacy

بی اعتنا در هر دو بعد پاسخدهی و کنترل پایین هستند (۸). گرمی و محبت والدین، منبعی است که به فرزندان کمک می کند در محیط خود جست و جو کنند و از این طریق به احساس ایمنی، اعتماد و جهت گیری مثبت به دیگران دست یابند (۱۰).

نتایج پژوهش در زمینه رابطه سبک های فرزندپروری با خود ناتوان سازی حاکی از آن بود که سبک مقتدر با خود ناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشتند (۱۶-۱۱). برای مثال، ذبیح الهی و همکاران، ضمن پژوهشی درباره ارتباط سبک های فرزندپروری ادراک شده، هوش هیجانی و خودناتوان سازی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خودناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشت (۱۱). سلطان نژاد در پژوهشی درباره رابطه بین سبک های والدینی با خود ناتوان سازی به این نتیجه رسید که خودناتوان سازی با سبک مقتدر رابطه منفی و معنادار و با سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا رابطه مثبت و معنادار داشت (۱۲). همچنین ریورس^۷ و همکاران ضمن پژوهشی درباره رابطه بین سبک های والدینی و عملکردهای تحصیلی به این نتیجه رسید که سبک مقتدر با خودناتوان سازی تحصیلی رابطه معکوس و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی تحصیلی رابطه مثبت و معنادار داشت (۱۶). همچنین نتایج پژوهش در زمینه رابطه سبک های فرزندپروری با خودکارآمدی حاکی از آن بود که سبک مقتدر با خودکارآمدی، رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت (۲۲-۱۷). برای مثال ملک زاده و همکاران، ضمن پژوهشی درباره رابطه سبک های والدینی و خودکارآمدی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خودکارآمدی، رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت (۱۸). تام^۸ و همکاران در پژوهشی با عنوان سبک های والدینی و خودکارآمدی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مستقیم و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی رابطه معکوس و معنادار داشت (۲۱). علاوه بر آن تاران^۹ و همکاران، ضمن پژوهشی با عنوان رابطه سبک های والدینی، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خودکارآمدی، رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت (۲۲).

پژوهش درباره خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) با توجه به مشکلات زیادی که دارند، اهمیت فراوانی دارد. پس ضرورت مسأله ایجاب می نماید که با

وظایف و مسؤولیت هایش اشاره دارد. وی خودکارآمدی را باورها و قضاوت های افراد درباره توانایی هایشان در انجام تکالیف خاص در موقعیت های خاص تعریف کرد (۵). خودکارآمدی، عامل مهمی در نظام سازنده شایستگی انسان است. انجام وظایف از سوی افراد مختلف با مهارت های مشابه در موقعیت های متفاوت به صورت ضعیف، متوسط یا قوی و توسط یک فرد در شرایط متفاوت به تغییرات باورهای خودکارآمدی آنان وابسته است. به همین دلیل احساس خودکارآمدی افراد را قادر می سازد تا با استفاده از مهارت ها در برخورد با موانع به شیوه ای مناسب عمل کنند. عملکرد مؤثر هم به داشتن مهارت ها و هم به باور در توانایی انجام آن مهارت ها نیازمند است. اداره کردن موقعیت های متغیر، مبهم، غیرقابل پیش بینی و استرس زا مستلزم داشتن مهارت های زیادی است (۶).

یکی از متغیرهای مهم و مرتبط با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی پایین، سبک های فرزندپروری والدین است. موضوع ارتباط والدین و فرزندان، سال ها نظر صاحب نظران و متخصصان را به خود جلب کرده است. خانواده، نخستین پایگاه تربیتی و اولین و مهمترین کانون پرورش صحیح، احیا و شکوفایی استعداد های کودکان است. همچنین این ارتباط دو سویه یک ارتباط مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. ارتباط والدین و فرزندان، نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می باشد که احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد (۷). چگونگی تعامل کودک و والدین بر روی عملکرد رفتاری و هیجانی فرزندان تأثیر مهمی دارد. عدم پذیرش از سوی والدین می تواند بر کاهش عزت نفس تأثیر داشته باشد و از این طریق موجب ایجاد یا افزایش مشکلات رفتاری، شناختی، هیجانی، اجتماعی، روانی و غیره شود (۸). شیوه های فرزندپروری والدین به صورت های متفاوتی طبقه بندی شده است. به طور کلی، پژوهشگران چهار شیوه فرزندپروری اساسی را بر اساس دو شاخص اصلی؛ یعنی پاسخ دهی والدینی^۱ و کنترل والدین^۲ بیان کردند. پاسخدهی به درجه و میزان حمایت و تعامل گرم با فرزند توسط والدین و حمایت از ابراز وجود و فردیت مستقل آنها اشاره دارد و کنترل به درجه و میزان نظارت و تنظیم رفتار فرزند توسط والدین اشاره دارد (۹). بر اساس این دو شاخص اصلی، چهار سبک فرزندپروری، شامل سبک های مقتدر^۳، مستبد^۴، سهل گیر^۵ و بی اعتنا یا بی تفاوت^۶ وجود دارد. والدین مقتدر در هر دو بعد پاسخدهی و کنترل بالا هستند، والدین مستبد در بعد کنترل بالا و در بعد پاسخدهی پایین هستند، والدین سهل گیر در بعد پاسخدهی بالا و در بعد کنترل پایین هستند و والدین

1. parental responsiveness
2. parental control
3. authoritative
4. authoritarian
5. permissive
6. inattentive

7. Rivers
8. Tom
9. Taran

با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ گزارش کردند (۲۴). حسینیان و نیکنام پایایی ابزار را با روش های آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش کردند (۲۵).

ج) پرسشنامه خودکارآمدی^۴: این پرسشنامه توسط شوارتز و جورسلیم^۵ برای سنجش خودکارآمدی ساخته شد. این ابزار دارای دارای ۱۰ گویه است که با استفاده از مقیاس چهار درجه ای لیکرت از یک تا چهار نمره گذاری می شود. در این ابزار دامنه نمرات بین ۱۰ تا ۴۰ و هر چقدر نمره آزمودنی بیشتر باشد، به میزان بیشتری دارای خودکارآمدی است. آنان پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۵ گزارش کردند (۲۶). بابایی امیری و عاشوری پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند (۲۷).

لازم به ذکر است که از روش های آمار توصیفی؛ یعنی شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی برای توصیف توزیع متغیرها و از ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیری با کمک نرم افزار آمار SPSS-21 برای آزمون فرض های آماری استفاده شد.

یافته ها

شرکت کنندگان ۳۴۲ مددجو شهر ارومیه با میانگین سنی ۴۱/۳۴ سال بودند. از میان آنان ۱۸۹ مددجو زن (۵۵/۲۶٪) و ۱۵۳ مددجو مرد (۴۴/۷۴٪) بود. همچنین از نظر تحصیلات ۱۲۷ مددجو بی سواد (۳۷/۱۳٪)، ۱۶۵ مددجو سیکل (۴۸/۲۴٪)، ۴۳ مددجو دیپلم (۱۲/۵۸٪) و ۷ مددجو فوق دیپلم (۲/۰۵٪) بود. شاخص های توصیفی متغیرها سبک های فرزندپروری والدین، خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان ارائه شده است (جدول شماره ۱).

توجه به مشکلات موجود در خانواده های مددجویان و کمبود پژوهش های موجود درباره بررسی سبک های فرزندپروری والدین مددجویان و رابطه آن با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی آنان اقدام به انجام چنین پژوهشی کرد. سبک های فرزندپروری با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی رابطه دارند، لذا با شناسایی اینکه کدام یک از سبک های فرزندپروری رابطه بیشتری با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی دارد، می توان از آن برای کاهش خود ناتوان سازی و افزایش خودکارآمدی استفاده کرد. بنابراین هدف این پژوهشی بررسی رابطه سبک های فرزندپروری والدین با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) بود.

روش بررسی

این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، همه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر ارومیه در سال ۱۳۹۳ بودند که تعداد آنها ۳۰۰۰ نفر بود. از میان آنان ۳۴۲ نفر بر اساس جدول مورگان و همکاران با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. در این روش، ابتدا فهرست تمام مددجویان بر اساس منطقه تهیه شد. سپس از هر منطقه با رعایت نسبت حجم جامعه، حجم نمونه آن منطقه مشخص شد. همچنین پس از دریافت رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، برای جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه استفاده شد که تکمیل کردن آنها برای هر آزمودنی حدود ۳۵ دقیقه طول کشید. ابزارهای مورد استفاده به شرح زیر بودند:

الف) پرسشنامه سبک های فرزندپروری^۱: این پرسشنامه توسط زینالی و همکاران برای سنجش سبک های فرزندپروری والدین ساخته شد. این ابزار، دارای ۵۲ گویه و شامل چهار بعد سبک های مقتدر (۱۹ گویه)، مستبد (۱۴ گویه)، سهل گیر (۱۰ گویه) و بی اعتنا (۹ گویه) است که با استفاده از مقیاس پنج درجه ای لیکرت از یک تا پنج نمره گذاری می شود. در این ابزار هر چقدر نمره آزمودنی در یک بُعد بیشتر باشد، به میزان بیشتری دارای آن سبک است. آنان پایایی کل پرسشنامه و ابعاد مقتدر، مستبد، سهل گیر و بی اعتنا را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۸، ۰/۷۶، ۰/۷۹ و ۰/۷۱ گزارش کردند (۲۳).

ب) پرسشنامه خودناتوان سازی^۲: این پرسشنامه توسط جونز و رودوالد^۳ برای سنجش خود ناتوان سازی ساخته شد. این ابزار دارای ۲۵ گویه است که با استفاده از مقیاس شش درجه ای لیکرت از صفر تا پنج نمره گذاری می شود. در این ابزار، دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۰۰ و هر چقدر نمره آزمودنی بیشتر باشد؛ به میزان بیشتری دارای خود ناتوان سازی است. آنان پایایی ابزار را

4. self-efficacy questionnaire
5. Schwarzer & Jerusalem

1. parenting styles questionnaire
2. self-handicapping questionnaire
3. Jones & Rhodewalt

جدول (۱): تعداد، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک مقتدر	۳۴۲	۳۷/۳۴	۱۱/۶۷
سبک مستبد	۳۴۲	۳۴/۳۹	۱۰/۰۵
سبک سهل گیر	۳۴۲	۴۶/۰۷	۱۳/۴۷
سبک بی اعتنا	۳۴۲	۵۲/۳۸	۱۴/۲۱
خود ناتوان سازی	۳۴۲	۴۶/۰۶	۱۵/۶۷
خودکارآمدی	۳۴۲	۲۳/۳۲	۴/۱۷

یافته های جدول شماره ۱ تعداد، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سبک های فرزندپروری، خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان را نشان می دهد. پیش از تحلیل داده ها با روش همبستگی و رگرسیون چندمتغیری، پیش فرض های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود که این یافته حاکی از آن است که فرض نرمال بودن برای همه متغیرها برقرار است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای همه متغیرهای پیش بین تقریباً برابر با یک می باشد که از ۱۰ فاصله

بسیار زیادی دارد، بنابراین فرض هم خطی بودن چندگانه رد می شود. علاوه بر آن، مقدار دوربین - واتسون (Durbin-Watson) برابر با ۱/۰۶ می باشد که از ۰ و ۴ فاصله دارد، بنابراین فرض همبستگی پسماندها نیز رد می شود. با توجه به نکاتی که ذکر شد پیش فرض های استفاده از رگرسیون وجود دارد، لذا برای تحلیل می توان از روش همبستگی و رگرسیون استفاده کرد. برای بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول شماره ۲).

جدول (۲): ضرایب همبستگی سبک های فرزندپروری با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی

متغیر ملاک / متغیر پیش بین	سبک مقتدر	سبک مستبد	سبک سهل گیر	سبک بی اعتنا
خود ناتوان سازی	-.۰/۳۲**	۰/۴۸**	۰/۱۹**	۰/۱۱
خودکارآمدی	۰/۵۲**	-۰/۲۶**	-۰/۳۴**	-۰/۲۱**

** $p < 0.01$

یافته های جدول ۲ نشان داد که سبک مقتدر با خود ناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشت. همچنین سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد، سهل

گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت ($p < 0.01$). برای بررسی اینکه متغیر سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی خود ناتوان سازی را دارد، از رگرسیون چندمتغیری با مدل همزمان استفاده شد (جدول شماره ۳).

جدول (۳): خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی خود ناتوان سازی بر اساس سبک های فرزندپروری

متغیر پیش بین	R	R ²	F	df1	df2	Sig
سبک های فرزندپروری	۰/۶۷	۰/۴۶	۵۲/۳۵	۴	۳۳۷	۰/۰۰۰۵

یافته های جدول ۳ نشان داد که متغیر سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی معنادار خودناتوان سازی را داشت ($p \leq 0.0005$) درصد از تغییرات خودناتوان سازی مددجویان را پیش بینی کنند

۴۶ درصد از تغییرات خودناتوان سازی را پیش بینی کنند

رگرسیون چندمتغیری با مدل همزمان استفاده شد (جدول شماره ۴).

که این پیش بینی معنادار بود. برای بررسی اینکه متغیر سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی خودکارآمدی را دارد، از

جدول (۴): خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی خودکارآمدی بر اساس سبک های فرزندپروری

متغیر پیش‌بین	R	R2	F	df1	df2	Sig
سبک های فرزندپروری	۰/۶۱	۰/۳۷	۴۸/۹۵	۴	۳۳۷	۰/۰۰۰۵

ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که خود ناتوان سازی با سبک مقتدر، رابطه معکوس و معنادار و با سبک های مستبد و سهل گیر رابطه مستقیم و معنادار داشت (۱۵). در تبیین این یافته ها می توان گفت که والدین مقتدر برخلاف والدین مستبد، سهل گیر و بی اعتنا زمینه هایی برای فرزندان خود ایجاد می کنند که در آن کودک، تصویری از خودش می آفریند که بسیار غنی و سازنده است و این عامل یکی از دلایل اصلی ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان می شود که در روابط با دوستان و همسالان بیشتر نمایان می شود و این افراد در راه رسیدن به اهداف خود موفق تر هستند. والدین مقتدر نسبت به مستبد، سهل گیر و بی اعتنا از به فرزندان خود استقلال و مسؤلیت می دهند و از آنان می خواهند دربار برخی از امور خود تصمیم بگیرند و کارهای مربوط به خود را شخصاً انجام دهند که این امر نخست باعث افزایش مسؤلیت پذیری، تلاش، استقلال و اتکا به خود و در نهایت باعث کاهش خود ناتوان سازی می شود. تبیین دیگر اینکه، والدین مقتدر به گونه ای با فرزندان خود برخورد می کنند که این فرزندان خود را عامل مؤثر در موفقیت ها و شکست هایشان می دانند و معتقدند رویدادهای مثبت زندگی در نتیجه نقشه دقیق و کوشش پیگیر خود آنها به دست می آید، لذا برای رفتار و پیامدهای ناشی از آن قبول مسؤلیت می کنند و خود (نه دیگران) را علت اصلی این امور می دانند که این امر باعث افزایش توجه به نقش خود در انجام کارها و کاهش خود ناتوان سازی می شود.

همچنین از میان سبک های فرزندپروری، سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت. این یافته ها با پژوهش های قبلی همسو بود (۲۲-۱۷). برای مثال، ملک زاده و همکاران ضمن پژوهشی درباره رابطه سبک های والدینی و خودکارآمدی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خودکارآمدی، رابطه منفی و معنادار داشت (۱۸). همچنین اژه ای و همکاران ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک

یافته های جدول ۴ نشان داد که متغیر سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی معنادار خودکارآمدی را داشت ($p < 0/0005$). متغیر سبک های فرزندپروری فقط توانست ۳۷ درصد از تغییرات خودکارآمدی مددجویان را پیش بینی کنند که این پیش بینی معنادار بود.

بحث و نتیجه گیری

مسئله خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان مسأله مهمی است که مشاوران و روانشناسان زیادی به دنبال بررسی آن هستند. در این پژوهش رابطه سبک های فرزندپروری والدین با خود ناتوان سازی و خودکارآمدی مددجویان بررسی شد. نتایج نشان داد سبک مقتدر با خودناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشت. همچنین سبک مقتدر با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشت. علاوه بر آن سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی معنادار هر دو متغیر خودناتوان سازی و خودکارآمدی را داشتند.

از میان سبک های فرزندپروری، سبک مقتدر با خودناتوان سازی رابطه منفی و معنادار، سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار و سبک بی اعتنا با خود ناتوان سازی رابطه معناداری نداشت. این یافته ها با پژوهش های قبلی همسو بود (۱۶-۱۱). برای مثال، سلطان نژاد در پژوهشی درباره رابطه بین سبک های والدینی با خود ناتوان سازی به این نتیجه رسید که خود ناتوان سازی با سبک مقتدر، رابطه منفی و معنادار و با سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا، رابطه مثبت و معنادار داشت (۱۲). همچنین حیدری و همکاران، ضمن پژوهشی درباره سبک های والدینی و جنس با خود ناتوان سازی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با خود ناتوان سازی رابطه منفی و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با خود ناتوان سازی رابطه مثبت و معنادار داشت (۱۳). علاوه بر آن وانت و کلیتمن^۱

فرض کرد. محدودیت دیگر مطالعه حاضر، استفاده از ابزارهای خودگزارش دهی است. ممکن است افراد در پاسخگویی به این ابزارها مسؤولانه عمل نمایند که این امر تا حدودی دقت نتایج را کاهش می دهد. همچنین محدود شدن جامعه پژوهش به مددجویان شهر ارومیه یکی دیگر از محدودیت های این پژوهش بود. با توجه به یافته های به دست آمده پیشنهاد می شود برای کاهش خودناتوان سازی و افزایش خودکارآمدی، میزان سبک مقتدر را افزایش و سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا را در مددجویان کاهش دهند. همچنین برگزاری کارگاه های آموزشی درباره سبک های فرزندپروری و ارائه راهکارهای عملی برای این منظور می تواند پیشنهاد کاربردی مناسبی باشد. بحث پژوهش در سایر گروه ها و یا سایر شهرها می تواند زمینه جدیدی برای مطالعه باشد.

تشکر و قدردانی

در پایان از مسؤولان کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر ارومیه و شرکت کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می شود. در ضمن این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان غربی می باشد.

های مستبد و سهل گیر با خودکارآمدی، رابطه منفی و معنادار وجود داشت (۱۹). علاوه بر آن ترنر^۲ و همکاران، ضمن پژوهشی درباره سبک های والدینی، انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدر با انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی، رابطه مثبت و معنادار و سبک های مستبد و سهل گیر با انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار داشتند (۲۰). در تبیین این یافته ها می توان گفت که والدین مقتدر با اعمال قوانین و مقررات لازم و تعیین استانداردهای دقیق و داشتن انتظارات متناسب با توانایی های فرزندان به آنان آزادی انتخاب می دهند، آنها را در تصمیم گیری ها دخیل می کنند و ضمن حمایت لازم از آنان به آنها استقلال می دهند که این عوامل باعث افزایش خودکارآمدی فرزندان می شود. در مقابل والدین مستبد با نظارت و کنترل زیاد بدون در نظر گرفتن توانایی های فرزندان و پیروی بی چون و چرای فرزندان از والدین و والدین سهل گیر و بی اعتنا با عدم کنترل و دادن آزادی زیاد به فرزندان خود و محدودیت قائل نشدن برای آنها به آنان یاد ندادند که چگونه در موقعیت های چالش انگیز تصمیم بگیرند که این عوامل باعث کاهش خودکارآمدی فرزندان می شود.

علاوه بر آن در این مطالعه مشخص شد که در یک مدلی که سبک های فرزندپروری به طور همزمان برای پیش بینی خود ناتوان سازی و خودکارآمدی رقابت نمایند، این متغیرها یعنی سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی معنادار خودناتوان سازی و خودکارآمدی را داشتند که این یافته در زمینه توانمندی پیش بینی خودناتوان سازی با پژوهش های (۱۱،۱۲،۱۴) و در زمینه خودکارآمدی با پژوهش های (۱۹،۲۱،۲۲) همسو بود. در تبیین توانمند بودن سبک های فرزندپروری در پیش بینی خودناتوان سازی و خودکارآمدی می توان گفت مهمترین عوامل مرتبط با خودناتوان سازی و خودکارآمدی شامل نحوه مقابله با چالش ها و تصمیم گیری های مناسب، استقلال عمل، تعامل مثبت و سازنده با دیگران، باور و اعتقاد راسخ درباره توانایی های خود، توانایی کنترل رویدادهای زندگی و غیره می باشد و از آنجایی که سبک های فرزندپروری با این متغیرها ارتباط زیادی دارند، لذا سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی معنادار خودناتوان سازی و خودکارآمدی را داشتند. در مجموع می توان گفت که با افزایش سبک مقتدر و با کاهش سبک های مستبد، سهل گیر و بی اعتنا می توان نقش مهمی در کاهش خودناتوان سازی و افزایش خودکارآمدی مددجویان ایفا کرد. بنابراین با افزایش آگاهی از سبک های فرزندپروری و پیامدهای آن از طریق آموزش های لازم می توان به کاهش خودناتوان سازی و افزایش خودکارآمدی مددجویان کمک کرد.

نخستین و مهم ترین محدودیت این مطالعه استفاده از روش همبستگی است. این روابط را نمی توان به عنوان روابط علی

References

1. Faal L. Investigating the relationship between parenting styles and self-effectiveness and self-handicapping among the clients of Imam Khomeini relief foundation in Urmia. MA Dissertation. Islamic Azad University of Urmia Branch. 2015. [Persian]
2. Uysal A, Lu Q. Self-handicapping and pain catastrophizing. *Pers Individ Differ*. 2010; 49: 502-505.
3. Hall TR. Self-handicapping: an Evaluation and Comparison of Honors and Traditional College Students` Utilization. National Undergraduate Research Clearinghouse, 3. Available online at <http://www.webclearinghouse.net/volume/>. Retrieved. 2000; 8-10.
4. Alter AA, Forgas JP. On being happy but fearing failure: The effects of mood on self-handicapping strategies. *J Res Pers*. 2006; 40: 573-597.
5. Bandura A. Cultivate self-efficacy for personal and organizational effectiveness. *Handbook of Principles of Organization Behavior*. Oxford: Blackwell; 2000: 120-139.
6. Schmitt N. The interaction of neuroticism and gender and its impact on self-efficacy and Performance. *Human Perform*. 2008; 21: 49-61.
7. Cames Holt K. Child-parent relationship therapy for adoptive families. *Family J*. 2012; 20(4): 419-426.
8. Dupree Shilelds C. The relationship between goal orientation, parenting style, and self-handicapping in adolescents. PhD Dissertation. University of Alabama: Alabama; 2007.
9. Laboviti B. Perceived parenting styles and their impact on depressive symptoms in adolescent 15-18 years old. *J Educ Soc Res*. 2015; 5(1): 171-176.
10. Aunola K, Stattin H, Nurmi JE. Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *J Adolescence*. 2000; 23: 205-222.
11. Zabihollahi K, Gholamali Lavasani M, Ejei J. The relationship between perceived parenting styles, emotional intelligence and self-handicapping. *J Psychol*. 2013; 16(4): 339-354. [Persian]
12. Soltannejad S. The relationship between parenting styles with academic self-handicapping. MA Dissertation. Allameh Tabatabaee University; 2013. [Persian]
13. Heidari M, Dehghani M, Khodapanahi MK. The impact of perceived parenting style and gender on self-handicapping. *J Family Res*. 2009; 5(2): 125-137. [Persian]
14. Hirabayashi KE. The role of parenting style on self-handicapping and defensive pessimism in Asian American college students. PhD Dissertation. University of Southern California, USA; 2005.
15. Want J, Kleitman S. Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting

- styles and self-confidence. *Pers Indiv Differ*. 2006; 40: 961-971.
16. Rivers J, Mullis AK, Fortner LA, Mullis R. Relationship between parenting styles and the academic performance of adolescents. *J Family Soc Work*. 2012; 15(3): 202-216.
 17. Moradian J, Alipour S, Shahni Yailagh M. The causal relationship between parenting styles and academic performance mediated by the role of academic self-efficacy and achievement motivation in the students. *Family Psychol*. 2014; 1(1): 63-74. [Persian]
 18. Malekzade L, Heidari M, Pakdaman Sh, Tahmassin K. The mediator relationship/effect of subsets of applied parenting styles and self-efficacy on psychological well-being in adolescents. *J Family Res*. 2014; 10(1): 113-126. [Persian]
 19. Ejei J, Gholamali Lavasani M, Malahmadi E, Khezri H. The relationship between parenting styles and academic achievement through the mediating influences of achievement goals and academic self-efficacy. *J Psychol*. 2011; 15(3): 284-301. [Persian]
 20. Turner EA, Chandler M, Heffer RW. Influence of parenting styles, achievement motivation, and self-efficacy on academic performance in college students. *J College Student Develop*. 2009; 50: 337-346.
 21. Tom CL, Chong A, Kadirvelu A, Khoo YT. Parenting styles and self-efficacy of adolescents: Malaysian scenario. *Human Soc Sci*. 2012; 14(2): 18-25.
 22. Taran H, Kalantari S, Dehaghin F, Shahsavari Abhari Z. The relationship among parenting styles, self-efficacy and academic achievement among students. *Int J Academic Res Progressive Educa Develop*. 2015; 4(1): 219-222.
 23. Zeinali A, Sharifi HP, Enayati MS, Asksri P, Pasha G. Development and validity of educational parenting styles questionnaire. *J Mod Thought Educ*. 2011; 6(3): 129-145. [Persian]
 24. Jones EE, Rhodewalt F. *The self-handicapping scale*. Princeton, NJ: Princeton University; 1982.
 25. Hoseinian S, Niknam M. The effect of cognitive behavioral education treatment on self-handicapping and self-efficacy on women sports. *J Motor Behav*. 2010; 2(2): 63-78. [Persian]
 26. Karademas CE, Azizi KA. The stress process, self-efficacy expectations and psychological health. *Pers Indiv Differ*. 2004; 37: 1033-1043.
 27. Babaeiamiri N, Ashoori J. The relationship between cognitive and metacognitive learning strategies, self-efficacy, creativity and emotional intelligence with academic achievement. *J Cogn Stra Learn*. 2015; 2(3): 111-127. [Persian]
 22. Taran H, Kalantari S, Dehaghin F, Shahsavari Abhari Z. The relationship among parenting styles, self-efficacy and academic achievement among students. *Int J Academic Res Progressive Educa Develop*. 2015; 4(1): 219-222.
 23. Zeinali A, Sharifi HP, Enayati MS, Asksri P, Pasha G. Development and validity of

- educational parenting styles questionnaire. *J Mod Thought Educ.* 2011; 6(3): 129-145. [Persian]
24. Jones EE, Rhodewalt F. *The self-handicapping scale.* Princeton, NJ: Princeton University; 1982.
25. Hoseinian S, Niknam M. The effect of cognitive behavioral education treatment on self-handicapping and self-efficacy on women sports. *J Motor Behav.* 2010; 2(2): 63-78. [Persian]
26. Karademas CE, Azizi KA. The stress process, self-efficacy expectations and psychological health. *Pers Indiv Differ.* 2004; 37: 1033-1043.
27. Babaeiamiri N, Ashoori J. The relationship between cognitive and metacognitive learning strategies, self-efficacy, creativity and emotional intelligence with academic achievement. *J Cogn Stra Learn.* 2015; 2(3): 111-127. [Persian]